

# نمایه

## عوامل توفیق و تنگناهای تبلیغ

غلامرضا متقی فر

پیش‌گفتار

روحانیت حامل امانتی الهی و مسؤولیتی ویژه و انحصاری است و ارزش و جایگاه او نیز در همین مسؤولیت است. ادای این مسؤولیت و ابلاغ پیام و هدایت مردم به ابزار و وسایل ویژه‌ای نیاز دارد که بدون آن، ایفای این مهم ناممکن و یا کم‌رنگ است. این نوشتار به دنبال آن است که در حد مقدور، مشکلات «ابلاغ» را ریشه‌یابی کرده و عوامل موفقیت و تنگناهای آن را بررسی کند. یکی از این مشکلات که به مرور از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود چگونگی ارتباط روحانیت با مردم، به ویژه نسل جوان است. عوامل متعددی در ساختار ارتباط روحانیت با مردم دخیل است که در زیر به آن‌ها می‌پردازیم:

### الف) برنامه‌درسی

برنامه‌درسی حوزه، به‌ویژه در سطوح عالی آن، از جهات متعددی قابل نقد و بررسی است.

پاره‌ای از متون رایج در حوزه که تمامی وقت محصلان علوم دینی به آن اختصاص یافته است، پاسخ‌گویی تمامی نیازها و سؤالات امروزی نیست و در قالب زمانی خاص تنظیم شده است و شبیه خاصی از گفتار و حتی اندیشه را ایجاد می‌نماید.

یا روحانی قبلی را نخواهد دید، بلکه با چهره‌ای جدید آشنا خواهد شد. در حالی که ارسال پیامبران تقریباً به صورت مداوم و پیوسته بوده، به گونه‌ای که بین آن‌ها یا دوران فترتی وجود نداشته یا این‌که بسیار اندک بوده است. قرآن کریم با تأکید بر این واقعیت می‌فرماید:

﴿لقد ارسلنا رسلنا تترأ﴾<sup>۱</sup>

بی‌تردید ما پیامبران مان را پی‌پی فرستادیم.

یکی از اصلی‌ترین دلایل ارسال پی در پی انبیا یادآوری‌های مکرر و برقراری رابطه صمیمانه با مردم است که خود، نوعی آموزش عملی است.

مرحوم علامه طباطبایی رحمته‌الله ذیل آیه مبارکه زیر می‌فرماید:

﴿و لتكن منكم أمةٌ يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر...﴾<sup>۲</sup>

«...تردیدی نداریم که عمل در همه شئون خود برمدار علم می‌چرخد

که با قوت علم تقویت و با تضعیف علم، تضعیف و به شایستگی

علم، عمل نیز شایسته و به فساد علم، عمل نیز فاسد خواهد شد.

خدای متعال، وضعیت علم و عمل را بدین صورت مثال می‌زند:

﴿والبلد الطيب يخرج نباته باذن ربه و الذي خبث لا يخرج الا

نكدا﴾<sup>۳</sup>

و تردید نداریم که اثر علم و عمل بر یکدیگر ظاهر می‌شود.

علم، قوی‌ترین انگیزه عمل و عمل واقعی و مشهود،

بزرگ‌ترین معلم انسان است»<sup>۴</sup>.

### نیروی انسانی مؤثرترین عامل در تبلیغ

مهم‌ترین ابزار تبلیغ، نیروی انسانی مفید و کارآمد است. آنچه بیش از

۱. مومنون (۲۳): ۴۴.

۲. آل عمران (۳): ۱۰۴.

۳. اعراف (۷): ۵۸.

۴. المیزان المجلد الثالث. الطبعة الثالثة بیروت، ص ۳۷۲.

قدرت علمی و تخصصی اهمیت دارد ویژگی‌های روانی و خصلت‌های شخصیتی مبلغ است.

مبلغ باید از نظر سنی در شرایط مناسب و نزدیک به گروه مخاطبان باشد. هم‌چنین باید علاوه بر دارا بودن بنیه علمی، نیرویی تلاش‌گر و فعال و عاشق علم باشد، زیرا در این صورت قادر است مسیر علمی خود را تعیین نماید.

مناسب است روحانی، قبل از اعزام، لااقل در چند ماه، سلسله دروسی درباره مردم‌شناسی و شیوه‌های تبلیغ را بگذرانند و منابع مطالعاتی مناسب در زمینه روان‌شناسی و تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسی عمومی با مشاورت اساتید فن برای مبلغان فراهم شود.

### اخلاق

سرمایه عظیم مبلغان، اخلاق الهی آنها است. هر که را از این دُرّ گران‌قدر نصیبی نباشد، بی‌تردید فردی مناسب برای ترویج دین مقدس اسلام نیست. در بیان نورانی حضرت امیر علیه السلام آمده است.

«انکم لاتسموا الناس بأموالکم و لکن تسموهم باخلاقکم»<sup>۱</sup>

مبلغ پیش از آن‌که با زبان خود سخن بگوید با عمل خود به دیگران درس می‌آموزد و مصداق بارز فرموده علی علیه السلام است که «کونوا دعاة للناس بغيرالستکم».

### اهمیت مدارس

امروزه درصد قابل توجه‌ای از کودکان راهی مدارس می‌شوند. نسل آینده ما، ترکیبی از نسل مدرسه امروز است. از این جهت ارتباط روحانی با مدرسه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

غالب مردم، اواخر دوره راهنمایی و دبیرستان را مهم‌ترین سنین مدرسه می‌دانند، اما واقعیت این است که این دوران، در عین بحرانی بودن، به اهمیت

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید جلد ۶، ص ۳۳۸.

دوران دبستان نیست.

در دوره دبستان، شخصیت کودک در حال شکل گرفتن است و به آسانی می‌توان اخلاق فاضله یا رذیله را به او آموخت. کودک در این دوران به رفتار یا اعتقاد خاصی عادت ندارد و می‌توان از طریق تشویق و تهدید او را به کاری وادار کرد و باورهای دینی را به سهولت در او تضعیف یا تقویت نمود و در نهایت، دوست داشتن و محبت کردن را به او آموخت.

تأثیرگذاری دینی و اخلاقی و... در اواخر دوره راهنمایی و دوران دبیرستان و دانشگاه به سهولت دوران دبستان نیست. از این رو ضروری می‌نماید که فرهیخته‌گان حوزوی بیش از هر چیز - سن تأثیرپذیری - دوران دبستان و حتی پیش دبستانی را دریابند.

از این رو پیشنهاد می‌شود که در هر مدرسه ابتدایی، روحانی و مبلغی با پست سازمانی «مشاور» حضور داشته باشد.

انجام این مهم به برنامه‌ریزی آموزشی خاصی نیازمند است و مبلغ، باید واحدهای فراوانی را در «روانشناسی» به ویژه در «روانشناسی کودک و نوجوان» و «مشاوره و راهنمایی» اعم از مشاوره تحصیلی و روانی و ژنتیکی بگذرانند، در غیر این صورت، امید چندانی به موفقیت نیست. فایده این کار آن است که:

**اولاً)** کودکان از هدایت‌های دینی به صورت مداوم بهره‌مند شده و صمیمانه با روحانی مدرسه رابطه برقرار می‌کنند، به گونه‌ای که این رابطه، تقریباً به صورت پایدار در طول دوران تحصیل اعم از دبستان و راهنمایی و دبیرستان و حتی دانشگاه محفوظ خواهد ماند. به شرط آن‌که موضوع «تداوم» همان‌گونه که قبلاً بیان شد رعایت شود.

**ثانیاً)** کودکان به دلیل کمبود محبت در برخی خانواده‌ها و هم‌زمان با شکل‌گیری شخصیت، محبت صمیمانه رهبری دینی را جایگزین محبت‌های از دست رفته خواهند کرد و محبت‌های این دوران است که هیچ زمانی فراموش نخواهد شد.

در پایان یادآوری می‌شود که این نوشتار اشاره‌ای کوتاه به مسأله مهم تبلیغ و ارتباط روحانی و مردم بود که توجه روز افزون به آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. نسل آینده از آن کسی است که سرمایه‌گذاری بیشتری را در مسایل فرهنگی به کار بسته باشد.

## ب) شناسایی مخاطب

در کنار موارد بالا برای انتقال اندیشه و گسترش معارف دینی شناخت دقیق مخاطب ضرورت می‌یابد

مبلغ باید میزان یادگیری و توانایی ذهنی مخاطبان و مراحل عینی و انتزاعی تفکر آنان را بداند و شیوه تدریس و جذب متعلم را بشناسد؛ از اقتضائات سنی افراد آگاه باشد و با ترکیب قومی و بافت جمعیتی اقوام مختلف آشنا باشد، و میزان سواد و تحصیلات مخاطبان خود را بداند.

علمی که زمینه چنین شناختی را فراهم می‌کند عبارتند از:

روان‌شناسی تفاوت‌های فردی و روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی رشد و روان‌شناسی کودک و بلوغ و نوجوانی و جامعه‌شناسی و قوم‌شناسی و... که آگاهی اجمالی از آنها برای مبلغ ضروری است.

گرچه چنین علمی به صورت مستقل و به شکل امروزی آن در حوزه‌ها رایج نبوده است اما بی‌توجهی به آن باعث ضعف در ارتباط با مخاطبان خواهد شد. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای برقراری ارتباط بین متون درسی حوزه و نیازهای زمان و به‌ویژه برقراری رابطه صمیمی و عاطفی و عمیق مبلغان با مردم، این درس در برنامه درسی عمومی حوزه و به‌ویژه رشته تبلیغ وارد شود.

## به‌کارگیری اصطلاحات علمی

استفاده از اصطلاحات علمی و فقهی و تفسیری و فلسفی و... در اجتماع با شیوه ابلاغ و دأب انبیا که مطابق روایت «نحن معاشر الانبیاء امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم» است منافات دارد.

پاره‌ای از اوقات مبلغان ارجمند، مفاهیم خاصی را در پاسخ به سؤالات مردم یا در سخنرانی‌ها به کار می‌برند، در حالی که شنونده یا سؤال‌کننده معنای آن را به خوبی نمی‌داند، لذا ارتباط و ابلاغ مطلوب حاصل نمی‌شود.

## جدانگاری

گاهی تحصیلات علوم دینی و حضور در حوزه‌ها باعث جدایی و ایجاد

فاصله بین طلاب با افشار دیگر است. تفاوت علاقه‌ها و گرایش‌ها در صنف روحانیت با دیگران، دو حوزه فکری و فرهنگی متفاوت را ایجاد می‌نماید که مانع مهم و مؤثری در ایجاد ارتباط است. این معضل اگر با کوچک شمردن حوزه فکری و فرهنگی دیگران و تقدس‌گرایی همراه باشد، مشکل بزرگ‌تری را ایجاد می‌کند.

برای رفع این مشکل ایجاد ارتباط صمیمی و مستمر در دوران تحصیلات جوانان حوزوی با دیگر جوانان و احترام دایمی به تفکرات و گرایش‌ها و علاقه‌ها و فرهنگ دیگر جوانان ضروری است و مانع جدایی فرهنگی جوانان حوزه با دیگر جوانان خواهد شد.

### مداخله در مناقشات سیاسی

حکومت اسلامی تفکر نوینی را در عالم سیاست مطرح کرده و راه جدیدی را گشوده و ره‌آوردی بس‌گران قیمت را عرضه کرده است. اما جناح بندی‌های سیاسی خرد و کلان که غالباً یک یا هر دو طرف آن روحانی است، ضربات جبران ناپذیری را بر حیثیت روحانیت وارد کرده و موجبات تضعیف پایگاه روحانیت در بین مردم را فراهم آورده است.

غالب جبهه‌گیری‌ها ناشی از تعصبات حزبی و گروهی - و نه براساس استدلالات قویم و منطقی و مصالح عمومی - است، سخنان کوبنده و تند و تیغ از نیام برآمده زبان و قلم، برای طرف مقابل آبرو و حیثیتی برجا نمی‌گذارد که مردم آن را حفظ کنند.

شکستن حرمت‌ها و برباد رفتن حیثیت‌ها، اولین دست‌آوردی است که بعد از هر موضع‌گیری سیاسی و جناح‌بندی نصیب دو جناح و در مراحل بعد، دامن‌گیر صنف روحانیت می‌شود.

حضرت امام علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

«مطلب دیگری که باز انسان را می‌ترساند که خدای ناخواسته مبادا این انقلاب به واسطه این مطلب صدمه ببیند... این است که بین آقایان در بلاد اختلاف باشد... این که شما خیال کنید که نه من برای خدا این آقا را مثلاً به او چه می‌کنم،

این اشتباه است. برای خدا نیست... این عیبی که شما در او می‌گویید، در خودتان نیست؟... اگر از اختلاف ماها، آن‌هم اختلافی که من شک ندارم در سر دنیاست، نه برای خدا، اگر این اختلافات موجب اختلاف بین مردم بشود و موجب این بشود که شکست بخورد جمهوری اسلامی و تا قرن‌ها نتواند سرش را بلند کند این جرمی است که خدا می‌بخشد ما را؟<sup>۱</sup>

انتظار این که در مواجهه سیاسی بر اساس ﴿فبشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه﴾<sup>۲</sup>، شرافت و قداست انسانی حفظ شود، تاکنون به مرحله عمل درنیامده است.

رقابت‌های سیاسی ناسالم، دل‌ها را از یکدیگر می‌برد. مهر و عاطفه‌ها را به خشم و کینه تبدیل می‌کند و مردم را از روحانیت جدا می‌کند، دوستان را ناامید و دشمنان را امیدوار خواهد کرد. علاوه بر این، خوراک تبلیغاتی مناسبی نیز برای رسانه‌های آن‌ها فراهم می‌کند.

### محدودیت افق فکری

تنگ نظری در برخورد با مسایل اجتماعی و شناختی، از آفات بزرگ ارتباط مبلغ با مخاطب است. برای هر انسانی، به خصوص در اوان نوجوانی، در هر مورد سوالات و شبهات فراوانی ایجاد می‌شود. سوال و شک، در هر مورد که باشد، مقدمه یقین است و یقینی که پس از شک و سوال به وجود آمده باشد، خدشه‌ناپذیر است. بنابراین، شک کردن به معنای کفر و الحاد نیست.

برخورد با غضب و خشونت در مقابله با تشکیکات اعتقادی بنیاد خام پنداری است. هر پدیده‌ای برخورد مناسب خود را می‌طلبد و برخوردهای غیر مناسب، نه تنها شک را از بین نمی‌برد، بلکه قضیه را پیچیده‌تر می‌کند. این گفته بدان معنا نیست که ما اجازه داریم شک و تردید ایجاد کنیم.

هنر مبلغ و ادار کردن معقول مخاطب به بیان شبهات ذهنی و کشف ذهنیات

۱. سخنرانی حضرت امام ۱۳۶۲/۴/۲۸

۲. زمر (۳۹): ۱۷، ۱۸.

و پاسخ‌گویی حکیمانه و منطقی به آنها است، نه مبارزه با بروز آن.  
قرآن همواره بر استفاده از حکمت و موعظه حسنه در برخورد با اندیشه‌های  
مخالف تأکید ورزیده است و برخورد خشن را در آخرین مرحله و پس از دعوت  
عالمانه و حکیمانه و تنها در صورتی مجاز می‌داند که طرف مقابل در مقام لجاج  
و عناد باشد.

### رعایت اعتدال در معیشت

غرق شدن در زخارف دنیا و خروج از اعتدال باعث جدایی مردم از  
روحانیت می‌شود امام علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«من به سهم خودم هیچ‌نگرانی ندارم راجع به این  
انقلاب،... این انقلاب ان‌شاءالله محفوظ می‌ماند و آسیبی از  
خارج به او نخواهد رسید. لکن آن چیزی که انسان را یک  
قدری نگران می‌کند، دو تا مطلب است که مربوط به عموم  
روحانیت است... یکی قضیه این‌که از آن زئی روحانیت که  
زئی طلبگی بوده است، اگر ما خارج شویم،... خوف این است  
که یک شکستی به روحانیت بخورد و شکست به روحانیت،  
شکست به اسلام است... اگر چنانچه ما از زئی متعارف  
روحانیت خارج بشویم و خدای ناخواسته توجه به مادیات  
پیدا کنیم، در صورتی که خودمان را با اسم «روحانی» معرفی  
کنیم این ممکن است منتهی بشود به این‌که روحانیت شکست  
بخورد... اگر خدای ناخواسته خودتان توجه‌تان به دنیا باشد و  
حریص بر دنیا، مردم دیگر از شما باور نمی‌کنند، بلکه انحراف  
در آنها پیدا می‌شود.»

### منبر

منبر قدیمی‌ترین ابزار برای ارشاد است که هم‌اینک نیز کارایی مؤثری دارد.  
اما در عین حال به دلیل ابداع ابزار متنوع آموزشی، به بازنگری‌هایی احتیاج  
دارد.

برای پربارتر شدن منبر سزاوار است که:

- الف) موضوع آن از قبل برای مردم تعیین شده باشد؛
- ب) مردم، شنوندگانی فعال، جستجوگر و پرسش‌گر باشند؛
- ج) مردم در انتخاب موضوع بحث، دخالت داشته باشند؛
- د) گوینده از طریق پرسش و پاسخ با مردم رابطه برقرار کند؛
- ه) نیازهای مردم مورد نظر گوینده باشد؛
- و) در ضمن سخنرانی از ابزار تدریس استفاده شود؛
- ز) فنون و مهارت‌های جلب توجه شنونده مورد نظر باشد؛
- ح) طرح یا متن از پیش تعیین شده‌ای تنظیم شده باشد؛
- ط) برای گفته‌های خود سند ذکر کند؛
- ی) منابع جدیدی برای مطالعه ذکر نماید.

روشن است که رعایت شرایط بالا در همه جا و همه وقت، ممکن نیست، اما در صورتی که هدف منبر و سخنرانی، ایجاد شناختی پایدار باشد، نه موقتی و گذرا، رعایت آن‌ها تا حد امکان لازم است.

### نماز جماعت

از دیدگاه اسلام، مسجد مرکز تفقد و یتیم‌نوازی و رسیدگی به مشکلات و چاره‌جویی بیچارگان و نماز جماعت نیز به عنوان محور حضور و غیاب و تفقد حال مسلمانان تلقی می‌شود. جماعتی که براساس این محورها نباشد، اهداف عالی آن برآورده نخواهد شد. بی‌خبری امام جماعت از حال مأمومین و عدم برقراری رابطه‌ای عاطفی و مستمر با آنان مانعی مؤثر در ابلاغ و ترویج شایسته معارف دینی است.

حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در نامه‌ای که به مالک اشتر بعد از نصب او به فرمانداری مصر می‌نویسد، می‌فرماید:

«ثُمَّ تَفْقِدُ مِنْ أُمُورِهِمْ مَا يَتَفَقَدُ الْوَالِدَانُ مِنْ وَلَدِهِمَا وَلَا يَتَفَاقَمُنْ فِي نَفْسِكَ شَيْئٌ قُوَّتِهِمْ بِهِ وَلَا تَحْقِرَنَّ لُطْفًا تَعَاهَدْتَهُمْ بِهِ وَإِنْ قَلَّ فَاتَّعِدْ دَاعِيَةً لَهُمْ إِلَى بَدْلِ النَّصِيحَةِ لَكَ

## و حسن الظن بك؛<sup>۱</sup>

مالك! همان گونه که پدر و مادر، فرزندان خود را تفقد می کنند، تو نیز مردم را مورد تفقد قرار ده، هیچ امری را در جهت تقویت آن ها بزرگ مشمار و هیچ لطفی را در راه خدمت به آن ها کوچک بدان هر چند به ظاهر کم باشد. این کار موجب می شود که آن ها نصیحت خود را از تو دریغ نکنند و نسبت به تو خوشبین شوند.

\*\*\*

پس از اشاره ای گذرا به موانع و مشکلات تبلیغ راه کارها و پیشنهادهای برای بهبود وضع موجود ارائه می شود.

## تواضع و خضوع عامل نفوذ در دل ها

صفت «تواضع» ملکه ای اخلاقی است که باید در جان مبلغ رسوخ کرده باشد، و به مرحله خضوع رسیده باشد.

تواضع مبلغ نه تنها ظاهر بلکه باطن را نیز شامل شود. پیامبر معظم اسلام ﷺ به عنوان برترین انسان و موفق ترین مبلغ عالم، پیوسته خود را همانند دیگران می دانستند و از هر چه تلقی برتری طلبی داشته باشد، پرهیز می فرمودند. مثلاً هرگاه بر مرکبی سوار می شد و دیگری می خواست به عنوان احترام در رکاب ایشان برود، در ابتدا درخواست می کردند که او هم سوار شود، اما اگر امتناع می کرد، می فرمود: «تقدم امامی و ادرکنی فی المكان الذی تُرید»<sup>۲</sup>. برخی از مظاهر عملی «تواضع» که می توان در رفتار و برخورد با دیگران به کار بست عبارتند از:

پیش قدم شدن در سلام و هرگونه رابطه کلامی دیگر؛ مقدم داشتن محترمان و پیرمردان؛ توجه کامل به سخن مردم، مخصوصاً کودکان؛ بها دادن به سؤال دیگران هر چند به ظاهر ساده باشد؛ مشورت در امور، حتی در طرح مطالب و موضوعات تبلیغی؛ پرهیز از هر آنچه که از آن بوی نخوت و برتری طلبی استشمام می شود که قرآن کریم نیز در این باره می فرماید:

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. معارج الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

﴿تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الارض ولا فساداً والعاقبة للمتقين﴾<sup>۱</sup>

### تواضع در گفتار و نگاه

قرآن کریم، مدارا و نرمی در سخن و عمل پیامبر عظیم‌الشان را رحمتی الهی و درستی و سخت‌گیری را موجب پراکندگی می‌داند و می‌فرماید:

﴿فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك﴾<sup>۲</sup>  
تجلی تواضع آدمی در ظاهر به سخن گفتن و نگاه کردن است. اولین گام ارتباط، حتی قبل از ارتباط کلامی، ارتباط دیداری است. شیوه نگاه کردن در ایجاد صمیمیت‌ها یا انزجار قلوب از یکدیگر بسیار مؤثر است. به هر حال، در هر یک از این‌ها ظرایفی نهفته است که از طریق تجربه شخصی و مطالعه قابل حصول است، در مورد شیوه نگاه کردن پیامبر ﷺ آمده است که:

«يُسَوِي نظره بين اصحابه».

و فرزدق کیفیت نگاه امام سجاده عليه السلام را چنین توصیف می‌کند:

«يُغضِي حياءً و يُغضِي من مهابة....»

### بی‌توقعی

احیاگری اندیشه انسانی با هیچ شغل دیگری قابل مقایسه نیست. در عین حال و با همه بزرگی و عظمت کار، اگر مُبلِّغ ادای وظیفه را به رُخ دیگران بکشد یا این‌که در قبال ادای تکلیف از دیگران توقع، حتی توقع سلام و تشکری داشته باشد، ارزش خویش را تنزل داده است.

### دل‌سوزی

یکی از ویژگی‌های بی‌نظیر مُبلِّغان الهی، رحمت و شفقت و دل‌سوزی درباره مردم است. آن‌ها علاوه بر آن‌که در غم و شادی دنیای مردم، خود را شریک

۱. قصص (۲۸): ۸۳

۲. آل عمران (۳): ۱۵۹.

می دانند، بیش تر نگران زندگی آخروی آنان هستند.

قرآن کریم خطاب به مردم دل سوزی پیامبر ﷺ را چنین توصیف می فرماید:  
«لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم»<sup>۱</sup>.

اگر مردم بپذیرند که مُبلِّغ اسلامی برای هدایت آن‌ها دل می سوزاند به او می‌گروند.

چنین باوری روابط سالم و پایدار عاطفی و صمیمیت همیشگی ایجاد خواهد کرد و موجب خواهد شد که کلام مُبلِّغ در جان مستمعان تأثیر شگرفی داشته باشد.

### تشکیلات

امروزه بر هیچ خردورزی پوشیده نیست که هر تلاش گسترده و موفق به «تشکیلات» نیاز دارد.

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و گزینش و تهیه امکانات و رسیدگی به مشکلات و آرایه آموزش و تغذیه علمی و اطلاع رسانی و بررسی پیشرفت کار و ارزیابی آن و آرایه اطلاعات کامل درباره ترکیب جمعیتی و تبلیغات قبلی و نکات قوت و ضعف فرهنگی منطقه جغرافیایی از عوامل ضروری توفیق و پیشرفت تبلیغات دینی است.

### تداوم و استمرار تبلیغ

یکی از موانع برقراری ارتباط‌های صمیمانه و عاطفی، مقطعی بودن «تبلیغات» است. این امر، علاوه بر این که موجب گسست و بریدگی و فراموشی آموخته‌های قبلی می‌شود، صمیمیت‌های ایجاد شده قبلی و روابط اخلاقی و عاطفی مردم و روحانی را نیز مخدوش می‌کند.

بسیار اتفاق می‌افتد که شهرستان یا روستاهایی سالیانه به مدت حداکثر یک یا دو ماه پذیرای روحانی و مُبلِّغ است و تا سال دیگر روحانی به خود نمی‌بیند و

۱. توبه (۹): ۱۲۸.